

بود جمهوری اسلامی ایران نه تنها حق، بلکه وظیفه دارد پاسخ این حمله را با قدرت و در زمانی مناسب بدهد. حسن روحانی نیز در بخشی از پیامی که پس از آتش بس صادر کرد تاکید کرد که باید بر این مردم سر تعظیم فرود آورد چراکه اگر ایستادگی نشکست، اگر امید خاموش نشد و اگر کشور فرو نیاشید، از برکت دل های آگاه و جان های مقاوم مردم بود. اما این سخنان جایی در صداوسیما نداشت.

❖ فقدان تحلیلگران صاحب نظر

نکته حائز اهمیت دیگر، دعوت از تحلیلگران و چهره های سیاسی در برنامه های پر طرفدار و زنده صداوسیما بود که صداوسیما به شدت از حضور تحلیلگران نخبه و صاحب نظر رنج می برد. در بسیاری از برنامه ها از جمله « جریان » شبکه یک، اکثراً از چهره های اصولگرا دعوت به میان آمد. این برنامه در هشت آنتن زنده خود به تحلیلگران اصولگرا از جمله منوچهر متکی، شهрияز زرشناس، حسین کچوئیان، فواد ایزدی، مصطفی خوش چشم و مهدی کلهر تریبون داد. در برنامه «راهبرد»، دیگر برنامه سیاسی این شبکه اوضاع اندکی متفاوت شد؛ البته این تصمیم بعد از آتش بس و انتقادات به این برنامه ها از جمله حضور وحید جلیلی و سخنانش موجب شد که چهره های میانه رو اصلاح طلب نیز در کنار اصولگراها شانس حضور داشته باشند؛ مثلاً اگر در روزهای اول فقط عباس سلیمی نمین و علی بهادری جهرمی و در نهایت مصطفی کواکبیان و الیاس حضرتی حضور پیدا کردند، در روزهای پس از آتش بس و افزایش انتقادات حسام الدین آشنا و محمدرضا جلائی پور نیز به عنوان چهره های اصلاح طلب و میانه رو به این برنامه دعوت شدند. برنامه «سیاست خارجی» شبکه سه که بر پایه تحلیل های مجریان اصولگرای خود می چرخید در یک گفت وگو ی تلفنی خود از وحید یامین پور دعوت کرد. برنامه افق فلسطین، ویژه برنامه شبکه افق که در ایام جنگ دوازده روزه به اتفاقات جنگ اختصاص داشت نیز از تحلیلگران اصولگرا کمتر شناخته شده از جمله غریبی و خرم آبادی دعوت کرده بود و عملاً تلاشی برای تنوع در تحلیل و ایجاد فضای قابل اعتماد برای مردم با حضور میهمانان و تحلیلگران از جریان های مختلف نداشت.

❖ انتظار انتشار واقعیت

اطلاع رسانی در زمان جنگ یک رکن مدیریت بحران، حرکت به سمت حفظ اتحاد و انسجام سیاسی و تداوم همبستگی است. در این شرایط رسانه به عنوان سلاح دوم کشورها می تواند افکار عمومی را جهت دهد، اتحاد ملی را تقویت کند و راه نفوذ دشمن را ببندد. رسانه با نقش موثر خود علاوه بر اینکه می تواند واقعیت ها را بازگو کند، با ارائه اخبار درست و اصولی می تواند جلوی شایعات را بگیرد و جنگ روانی دشمن را نیز خنثی کند. از سوی دیگر امیدبخشی به آحاد مردم، حفظ روحیه و هدایت افکار عمومی از دیگر اقداماتی است که در این بازه زمانی متمر ثمر خواهد بود.

اطلاع رسانی دقیق در دوران جنگ از هرج و مرج میان مردم کم می کند، گرایش مردم به رسانه های فارسی زبان که با جهت گیری به انتشار اخبار اقدام می کنند را کم می کند و ثبات سیاسی در پی خواهد داشت و می تواند به تقویت رابطه دولت و ملت کمک کند. اما سیاست های رسانه ای در کشور ما هنوز به سمت تعدیل اطلاع رسانی نرفته است، صداوسیما در تغییر رویکردها به نمایش چهره زنانی که از حجاب آزادتری بر خوردار هستند بسنده کرده است. عده ای از چهره های اصلاح طلب نیز برای بیان دیدگاه ها در آن حضور پیدا کردند اما کمتر حضور افرادی از جریان سیاسی خاص در تضاد با همبستگی ملی است که مردم در این مدت برای تحقق آن سنگ تمام گذاشتند.

❖ به افق ایران

در چنین روزهایی که هجوم اخبار ضد و نقیض و تلاش های بیگانه برای برهم زدن همبستگی عمومی قوت گرفته است، این انتظار روشنی است که صداوسیمای ایران نیز همچون بسیاری از رسانه هایی که از مردم و برای مردم نوشتند، به افق تمام ایران و نه به افق یک جریان فکری و سیاسی خاص حرکت کند.



محمد مهاجری:

تا حدود دوده پش سیستم تلویزیون به گونه ای بود که وقتی برنامه نداشت تصویری مانند بر فک نشان می داد. الان هم می توان به جای پخش صداوسیمای آدم های بیسواد عده ای وحدت شکن، بر فک پخش کرد

مسعود سپهر، استاد دانشگاه در گفت وگو با هم میهن با اشاره به ضرورت اطلاع رسانی درست و واقعی در زمان جنگ و پس از آن بر اهمیت این مسئله در اعتماد کردن مردم به رسانه های داخلی و دولت و تقویت برداشتن گام های درست پس از آن تاکید دارد.

«اطلاع رسانی در دوران جنگ و آتش بس پس از آن چقدر مهم است و اطلاع رسانی درست چه تأثیری در فضای سیاسی و اجتماعی دارد؟

طبعاً اطلاع رسانی و همراه بودن افراد جامعه با واقعیات امور، روحیه آنها را برای مقاومت کردن، اعتماد کردن و برداشتن گام های درست تقویت می کند. در طول جنگ ۱۲ روزه و پس از آن نیز جنگ رسانه ای - شناختی دست کمی از جنگ اصلی که با هواپیماها، موشک ها و پهپادها بر فراز دو کشور جریان داشت، نداشت و حتی می توان ادعان کرد که این جنگ رسانه ای است که سرنوشت جنگ اصلی را مشخص می کند. رسانه می تواند نتیجه جنگ ها را مشخص کند و در توقف و یا ادامه جنگ ها اثرگذار باشد. آنچه در این جنگ شاهد بودیم، با توجه به فاصله ای که دو کشور از همدیگر داشتند، در واقع جنگ اراده ها بود و هر کدام از دو جامعه درگیر جنگ اگر نتوانند فضا را مدیریت کنند و به عبارتی کم بیاورند، می توانند سرنوشت جنگ را تعیین و آتش بس را هم به جنگی دوباره تبدیل کنند. از همین نظر اطلاع رسانی صحیح و اصولی بسیار مهم است. البته که قابل درک است در شرایط جنگی و به ویژه جنگی به این پیچیدگی، مسائل محرمانه و آن نکاتی که امکان افشای آن وجود ندارد باید محرمانگی آنها حفظ شود و طبیعی است که نباید به بهانه حقیقت گویی روحیه مردم و کسانی که در جبهه ها مشغول نبرد هستند تضعیف شود. این کار بسیار دشوار و راه رفتن بر لبه تیغ است چراکه اگر از هر طرف افراط و تفریط صورت بگیرد می تواند زبان های جبران ناپذیری در ادامه کار داشته باشد. فکر می کنم در این مسیر تاکنون گوش سپاری مردم به رسانه های داخلی بیشتر شده است و رسانه های افراطی و صهیونیستی اعتبار خود را بیشتر از دست داده اند و از همین روی این جنگ فرصتی فراهم کرد که می شد از آن استفاده کرد و رسانه های داخلی با داشتن ارتباط خوب با جامعه و بازسازی ارتباطی که تخریب شده بود و رسانه ملی که مرجعیت خود را

از دست داده بود، می توانست نوسازی شود و یک سرمایه ای برای آینده ایجاد کند. لازم است که این اعتمادی که در روزهای جنگ به رسانه ها به وجود آمد، احترام گذاشته شود و این سرمایه در برابر تهدیدهای احتمالی که ممکن است در آینده به وجود بیاید، باید حفظ شود و با این نوسازی، تهدیدها حداقل در عرصه رسانه تبدیل به یک فرصت شود و در زمان آتش بس و پیروزی مردم برای مردم حفظ شود.

یکشنبه ۸ تیر ۱۴۰۴

سال چهارم • شماره ۸۲۱

www.hammihanonline.ir

نگاه کارشناس

مسعود سپهر استاد دانشگاه:

به اعتماد مردم به رسانه ها احترام بگذاریم

«در ایام جنگ حملات و اتفاقاتی که در کشور ما رخ می داد با تأخیرهای قابل توجه و یک اشاره کوتاه منتشر می شد و همین بسیاری را مجبور می کرد که برای پی بردن به شرایط کشور روی به رسانه های خارجی بیاورند. از طرفی اکثر رسانه های فارسی زبان خارجی صرفاً آنچه در ایران رخ می داد را بازگو می کردند و بیان حملات ایران به اسرائیل محدود بود و در واقع جریان آزاد اطلاعات در هیچ کدام از طرفین رعایت نمی شد. این مسئله چقدر می تواند آسیب زا باشد و تا چه اندازه ای باید این اتفاق رخ دهد و تا چه اندازه ای نباید رخ دهد؟

محدودیت های طرفین باید در نظر گرفته شود. از یک طرف برای مثال اگر نقطه دقیق اصابت یک موشک اعلام شود، طرف مقابل می تواند دقیقاً آتش خود را برای شلیک بعدی تصحیح کند و آسیب های بیشتری بزند. بنابراین یک مقدار محرمانگی مهم است و این مسئله ای بسیار دقیق در شرایط جنگ است. از آن طرف عدم اعلام درست امور می تواند به اعتماد اجتماعی آسیب بزند و حتی مردم را نیز اشتباه راهنمایی کند و آنها هم به جاهای خطرناک بروند و باعث شود شرایط را دست کم بگیرند و آسیب بیشتری ببینند. به هر حال کسی که تبلیغات جنگ را اداره می کند، باید بسیار هوشیار و دقیق عمل کند و کار بسیار دشواری را هم پس از آتش بس و در راستای بازگشت به شرایط عادی در پیش دارد. در مورد ایران فکر می کنم با توجه به احاطه و اشراف اطلاعاتی و تعداد بسیار زیاد جاسوسان و نفوذی هایی که در ایران وجود دارد و برای اسرائیل خبررسانی می کنند، ما می توانیم بی پرواز اطلاعات را منتشر کنیم و هدف اصلی را بر جلب اعتماد مردم بگذاریم. مسئله این است که اگر اطلاعات مربوط به هدف قرار گرفتن نیروهای غیرنظامی و مناطق مسکونی خیلی بیشتر منتشر شود هم مظلومیت مردم ایران برای افکار عمومی جهان روشن تر می شود و هم واقعیت خباثت اسرائیل برای مردم ما مشخص می شود. اینکه تعداد تلفات خیلی کم و دیر اعلام شود و مخصوصاً حمله به مناطق غیرنظامی به درستی روشن نشود هر چند که نمایش آنها منجر به تضعیف روحیه خواهد شد، اما از طرفی از یک مزیت که مظلومیت مردم ما را به جهانیان نشان بدهد محروم خواهیم شد. بنابراین درست است که در رسانه ملی در مورد افراد غیرنظامی که جان خود را از دست دادند و آسیب دیدند و مکان های مسکونی آسیب دیده ناشی از جنگ، باید بیشتر اطلاع رسانی شود؛ تا هم مردم به درستی در جریان اقدامات ناجوانمردانه اسرائیل قرار گیرند و هم جامعه جهانی بیننده باشد و نسبت به آن واکنش نشان دهد. طبیعی است که در این بین انتظار می رفت تحلیلگرانی که به رسانه ملی دعوت می شوند هم

تحلیلگران توانمندی باشند که بر اساس اطلاعات و واقعیت ها سخن بگویند، نه فقط یکسویه به موضوعات بپردازند.

سیاستمداران



توان خود را صرف مهار اسرائیل کنید

مهدی کروی، در تماس با فخرالسادات محتشمی پور، همسر مصطفی تاج زاده و همچنین خانم قدیانی، همسر ابوالفضل قدیانی گفت: «من همانطور که قبلاً هم گفتم دفاع از آزادی های آحاد مردم صرف نظر از باور و اعتقاد و گرایش سیاسی شان را وظیفه خود می دانم. لذا از آقای اه ای می خواهم با آزادی تمامی زندانیان سیاسی پیام آور وحدت به جامعه باشد و مقدمات رفع حصر مهندس موسوی و دکتر رهنورد را فراهم کند.» او ادامه داد: «از وزیر اطلاعات و مقامات اطلاعات سپاه و نیروی انتظامی هم می خواهم رویه های عملی تغییر کند و کسی بیش از این در دام صهیونیست های نفوذی که ادعای انقلابی گری دارند اما یک روز هم در دوران غربت مبارزه با پهلوی نبودند قرار نگیرند و توان امنیتی کشور صرف مهار اسرائیل شده نه منتقدین سیاسی، فرهنگی و یاتار موی زنان.»



اتاق ۶ در ۶ و ۳۴ زندانی

پس از حمله اسرائیل به زندان اوین، زندانیان این زندان به زندان های دیگر منتقل شدند. یکی از موضوعاتی که به دنبال این انتقال مطرح شد، وضعیت زندانیان به خصوص زندانیان سیاسی است. فخرالسادات محتشمی پور، همسر مصطفی تاج زاده در گفت وگو با امتداد درباره تماس همسرش از زندان تهران بزرگ گفت: «بر اساس گزارشاتی که به ما رسیده در حال حاضر، زندانیان سیاسی در سه اتاق جای داده شده اند و به گفته آقای تاج زاده در یک اتاق ۶ در ۶ حدود ۳۴ زندانی هستند. امکانات بسیار ضعیف است. به عنوان نمونه، ۸ تخت سه طبقه در این فضا وجود داشته و مابقی زندانیان روی زمین می خوابند.» او همچنین گفت: «شما تصور کنید که افرادی مانند آقای قدیانی و دیگر زندانیان سیاسی با سن بالا و انواع بیماری هایی که به تشخیص پزشکی قانونی عدم تحمل کیفر دارند، در چنین شرایطی قرار گرفته اند.»



نقطه قوت ایران، مردم هستند

محمدرضا جوادی یگانه، استاد دانشگاه در گفت وگو با ایرنا درباره همگرایی ایجادشده بین ایرانیان در جنگ ایران و اسرائیل گفت: «همه مردم دنیا به وطن حسی را دارند که به هیچ چیز دیگری در هیچ کجای دنیا آن احساسات را ندارند. در یکی از تجمعات اعتراضی، یکی از ایرانیان خارج از کشور پلاکاردی در دست داشت که روی آن نوشته شده بود «مخالفم اما خائن نیستم». تعبیر این است که ما بین ایران، ایرانیان و حکومت ایران به لحاظ نظری می توانیم تفاوت قائل شویم اما به واقع همه این موارد یکی هستند و به نظر می رسد آنچه که در واقعه اخیر بسیار مهم است این است که در این جنگ تحمیلی ایران به کمک جمهوری اسلامی آمد و ایران توانست کاری کند که این فضا تغییر یابد.» این استاد دانشگاه با تاکید بر اینکه تنها قوت ایران مردم هستند، افزود: «ایده نظام سیاسی باید بازگشت به ایرانیت باشد و از اینرو همه ایرانیان اهمیت دارند و رنج هر بخش از جامعه ایران چه رنج اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی باید از سوی حاکمیت مورد توجه قرار گیرد؛ بنابراین معیشت، مشارکت بیشتر در حوزه سیاسی و جلوگیری از چندپارگی در حوزه اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد. جامعه ایران نشان داد که همراه و پای کار است بنابراین نظام سیاسی باید این مهم را به عنوان فرصت در نظر بگیرد.»